

## تحليل ژئوپوليتيكي ابعاد حقوقي و سياسي مناقشه ناگورنو قره باغ\*

### Geopolitical Analysis of the Legal and Political Dimensions of the Nagorno-Karabakh Conflict

S. Mohammad ISANEDJAD\*\*

Hazar LEYLANOĞLU\*\*\*

#### چکیده

طبق یافته‌های این تحقیق، این مناقشه در دو بعد حقوقی و سیاسی دو روند کاملاً متفاوتی پیموده است و به همین دلیل، گروه مینسک نتوانست هیچ دستاورد عملی در حل و فصل مسالمت‌آمیز این مناقشه کسب کند. به نظر می‌رسد قرارگیری در حوزه خارج نزدیک مهم‌ترین مانع ژئوپوليتيكي حل و فصل مناقشه قره باغ بود. پس از بروز جنگ ۴۴ روزه، بازبینی ابعاد مختلف این مناقشه برای ترسیم دورنمایی صحیح از تحولات پیش رو و آینده منطقه قفقاز جنوبی بیش از پیش ضروری می‌باشد. به نظر می‌رسد آینده این منطقه همچنان از مؤلفه‌های ژئوپوليتيكي متأثر خواهد شد.

**کلمات کلیدی:** مناقشه ناگورنو قره باغ، حقوق بین‌الملل، سیاست بین‌الملل، جنگ ۴۴ روزه، ژئوپوليتيک.

#### Abstract

According to the findings of this study, Karabakh conflict has gone through two different processes in both legal and political dimensions. because of this; the Minsk Group has not been able to make any practical progress. It seems that, being in the Near Abroad was the most important geopolitical obstacle to resolving the Nagorno-Karabakh conflict. Following the outbreak of the 44-day war, it is increasingly necessary to reconsider the various dimensions of this conflict in order to draw a correct outlook for the forthcoming developments and the future of the South Caucasus region. It seems that the future of this region will continue to be influenced by geopolitical components.

**Keywords:** Nagorno-Karabakh Conflict, International Law, International Politics, 44-Day War, Geopolitics.

---

\* Makale Geliş Tarihi: 22.12.2020 Yayına Kabul Tarihi: 23.12.2020

\*\* Dr., e-posta: s.m.isanedjad@gmail.com, ORCID: 0000-0002-4504-1979.

\*\*\* Doktora Adayı, Hacı Bayram Vali Ankara Üniversitesi, Kamu Hukuku Anabilim Dalı, e-posta: hazar.leylanoglu@hbv.edu.tr, ORCID: 0000-0002-1699-2820.

## مقدمه

بایستی ریشه‌های مناقشه ناگورنو قره‌باغ را در دوره بعد از حضور روسیه در قفقاز بررسی کرد<sup>1</sup> چرا که از زمان معاهدات منجر به انضمام این منطقه به روسیه، مقامات روس، بنا به توصیه سوسیانیوف، سردار روسی فاتح قفقاز، و با توجه به موقعیت سوق‌الجیشی قره‌باغ در ارتفاعات مرکزی قفقاز جنوبی محل تجمع آرامنه مسیحی شد.<sup>2</sup>

قره‌باغ در دوران حاکمیت شوروی، هر چند که به صورت دژور به سرنوشت زنگه‌زور دچار نشد، اما با تغییرات فراوان ناحیه‌بندی سیاسی، دموگرافیک و جغرافیائی مواجه شد و پیرو سیاست‌های تفرقه‌اندازانه و استبدادی کمونیست‌ها، بخش کوهستانی آن تحت عنوان ناگورنو قره‌باغ به صورت یک استان خودمختار درآمد. و از سال ۱۹۲۳ با تحریک و حمایت مسکو، نخستین ادعاهای منتج به مناقشه قره‌باغ توسط آرامنه طرح شد.<sup>3</sup> تا اواخر دوران حاکمیت کمونیست‌ها مسئله ناگورنو قره‌باغ مجال بروز حاد نیافت و بنا به اقتضات مسکو وضع موجود بدون حل قطعی آن حفظ شد. پس از آن که نغمه اصلاحات سیاسی - اقتصادی در شوروی از زبان میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی زمزمه شد؛ بحران ناگورنو قره‌باغ سر باز کرد.<sup>4</sup> طولی نکشید که تنش میان آذربایجانیان و آرامنه در قره‌باغ به جنگی تمام عیار مبدل شد. از سال ۱۹۸۸ این بحران تشدید شد تا این که با فروپاشی شوروی و استقلال طرفین درگیر، در سال ۱۹۹۱ تبدیل به یک بحران بین‌المللی شد که از ۱۹۹۴ تاکنون تلاش‌های جدی برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران آغاز شد و کماکان ادامه دارد. روند بسیار کند و فاقد دستاورد عملی حل‌وفصل این مناقشه از طریق گروه مینسک و دیگر میانجیگری‌ها، باعث تغییری در روند حقوقی اراضی اشغالی نشد و درگیری بین طرفین در سال ۱۳۹۵ (۲۰۱۶) علی‌رغم تلفات قابل توجه (با توجه به مقیاس جنگ) باعث آزادسازی اراضی اشغالی شد و نشانه‌ای کوچک از تغییر توازن قوا و تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری آذربایجان در تجهیز، نوسازی و آموزش ارتش آذربایجان بود. این روند در جریان جنگ ۴۴ روزه در قره‌باغ بیش از پیش آشکار شد و آذربایجان علاوه بر پیروزی میدانی در جنگ و پیروزی نسبی در توافق آتش‌بس، بر همه شبهات پیرامون تغییر موازنه قوا در قفقاز جنوبی پایان داد. باری، به نظر می‌رسد به‌رغم این تحولات میدانی، به دلیل عدم همخوانی ابعاد حقوقی و سیاسی این مناقشه، چندان نمی‌توان به پایان همیشگی این مناقشه و بازتعریف روابط آذربایجان و ارمنستان مبتنی بر احترام به تمامیت

1 Kaveh Bayat, *The Nagorno-Karabakh Crisis*, Parvin, Tehran 1372, s. 14.

2 S. Mohammad Isaneditjad, "Geographical Recognition and Historical Analysis of Iran's Political Borders with the Caucasus States", *Quarterly Journal of Caucasus Cultural Studies*, 1(2), Spring 2010, s. 4.

3 Mostafa Aydin, "The Internal Roots of Instability in Central Asia and the Caucasus", *Central Asia and Caucasus Studies*, 3(36), 2001, s. 64.

4 Parviz Zare Shahmarsi, *Karabakh Nameh: From Ancient Times to the Contemporary Period*, Shirazeh, Tehran 2010, s. 1.

## تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

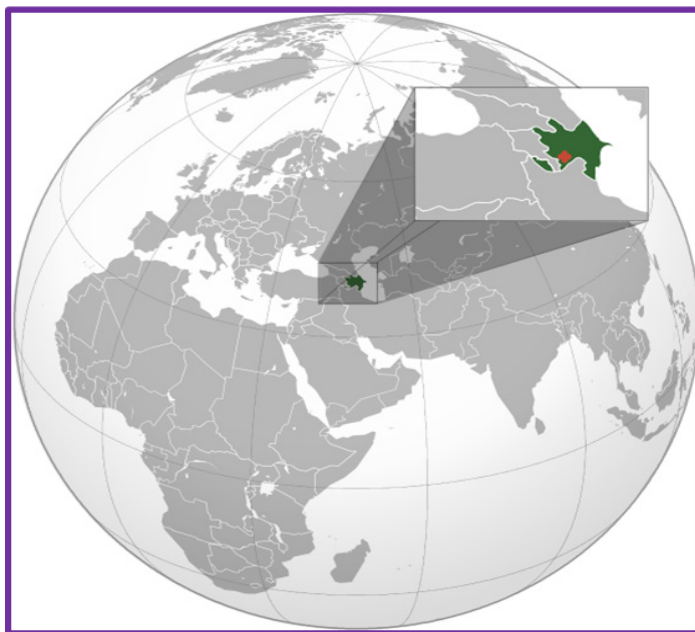
ارضی آذربایجان و ایجاد مناسبات مبتنی بر حسن همجواری و تعاملات اقتصادی امیدوار بود.

در این پژوهش تلاش به عمل می‌آید تا نقش ژئوپولیتیک در ابعاد حقوقی و سیاسی این مناقشه، بررسی و تحلیل شود. مفروض بنیادی ما در این تحقیق، عدم همخوانی این دو بعد مناقشه مذکور است و پرسش اساسی پیش روی ما، یافتن مهم‌ترین مؤلفه مؤثر در ایجاد چنین ناهمخوانی است در مواجهه با این پرسش، فرضیه نگارندگان چنین است که به نظر می‌رسد مؤلفه‌های ژئوپولیتیکی عامل این ناهمخوانی است.

### ۱- روش و نوع تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی نظری می‌باشد. در این تحقیقات با رویکرد قیاسی و با تکیه بر خلاقیت ذهنی و دانش پیشین، اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود و با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل منطقی و استدلال قیاسی، گزاره‌های نظری جدید تولید و ارائه می‌گردد. این گزاره‌ها می‌توانند مبنای جدیدی برای تحقیقات تجربی قرار گیرند.<sup>5</sup> طبیعتاً بنابر مواد و ماهیت این پژوهش (اسناد حقوقی)، جهت دستیابی به اهداف تحقیق از شیوه تحلیل محتوا و روش توصیفی - تحلیلی به صورت توأمان استفاده می‌شود.

نگاره (۱): موقعیت ناگورنو قره‌باغ<sup>6</sup>



5 Mohammad Reza Hafeznia, *Research Methodology in Humanities (With Revisions and Additions)*, Samat, Tehran 2010, s. 59.

6 S. Mohammad Isanedjad, *A Study of the Role of the United Nations in the Process of the Nagorno-Karabakh Conflict Developments*, Faculty of Geography, University of Tehran, (Unpublished M.Sc. Thesis), Tehran 2012, s. 20-25.

## ۲ - بازبینی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

پس از بروز خلأ قدرت در قفقاز و حضور بازیگری جدید و تازه‌نفس در این منطقه (روسیه)، ابراهیم خلیل خان جوانشیر، خان خانات قره‌باغ، در سال ۵۰۸۱ ناچار به پذیرش عقد معاهده «کوروک چای» با سیسیانوف، به نیابت از الکساندر یکم، تزار وقت روسیه، شد. دیری نپایید که امپراطوری روسیه توانست تمام منطقه قفقاز را تحت سیطره خویش درآورد و تصمیم به سیاست تقسیم‌بندی متصرفات جدید نمود. این سیاست اهداف مختلفی را دنبال می‌کرد که از مهم‌ترین آن‌ها تثبیت کنترل کامل مسکو بر این مناطق بود. در این راستا تغییر بافت جمعیتی منطقه قفقاز از طریق مهاجرت ارمنیان از قلمروی امپراطوری ایران و عثمانی به این منطقه به شدت دنبال می‌شد. به طوری که پس از جنگ‌های قفقاز در سال‌های ۶۰۸۱ الی ۳۱۸۱ و ۶۲۸۱ الی ۸۲۸۱ و همچنین جنگ‌های روسیه - عثمانی طی سال‌های ۸۲۸۱ الی ۹۲۸۱، ترکیب قومی این منطقه کاملاً دگرگون شد. تنها طی سال‌های ۸۲۸۱ تا ۰۳۸۱ بیش از ۰۰۰۰۴ ارمنی از قلمروی امپراطوری قاجار و ۰۰۶۴۸ نفر از امپراطوری عثمانی در قره‌باغ مستقر شدند.<sup>7</sup>

جدول (۱): روند تحولات جمعیتی اقلیت‌های قومی در آذربایجان و ارمنستان<sup>8</sup>

گروه قومی	جمعیت ۹۷۹۱	جمعیت ۹۸۹۱	درصد تغییرات
ارمنیان قره‌باغ	۶۷۰۳۲۱	۰۵۴۵۴۱	۸۱/۲
آذربایجانی‌های ارمنستان	۱۴۸۰۶۱	۰۶۸۴۸	-۸۴/۲
ارمنیان آذربایجان	۶۸۴۷۵۴	۵۹۴۰۹۳	-۷۱/۹

در سال ۱۸۲۸ میلادی، با دستور امپراطور روسیه، خانات ارمنی در سرزمین‌های اشغالی آذربایجان تشکیل شد تا با تقسیم مناطقی دارای جمعیتی یک‌دست ترک/مسلمان به چند قسمت جدا از هم، منطقه حائلی در حیات خلوت امپراطوری عثمانی به وجود آورد. از سوئی دیگر، الغای کلیسای آلبانیایی توسط تزار روسیه در سال ۱۸۳۶، منجر به گریگوری‌سازی و یا ارمنی‌کردن جمعیت مسیحی ساکن در منطقه شد. در سال ۱۹۱۸ به دنبال وقوع انقلاب بلشویکی در روسیه و تضعیف کنترل این کشور بر مناطق پیرامونی خویش، جمهوری دموکراتیک آذربایجان و جمهوری مستقل ارمنستان در یک روز واحد تشکیل شدند. امپراطوری عثمانی اولین کشوری بود که در آن موقع استقلال جمهوری‌های قفقاز جنوبی را شناسایی کرد و مبادرت به انعقاد معاهده صلح باتومی کرد. در این معاهده مرزهای این کشورها نیز مشخص شده بود. طبق این معاهده کشور ارمنستان تنها شامل ۱۰۰۰۰ کیلومتر مربع می‌شد و طبیعتاً منطقه قره‌باغ بخشی از جمهوری دموکراتیک آذربایجان محسوب می‌شد. اما در سال ۱۹۲۰ و در نتیجه حمله ارتش سرخ و اشغال باکو، جمهوری دموکراتیک آذربایجان موجودیت خویش را از دست داد. در سال ۱۹۲۱ دفتر قفقازی کمیته مرکزی

7 Bahram Amirahmadian, *Complete Geography of the Caucasus*, Geographical Organization of the Ministry of Defense and Support of Iran, Tehran 2002, s. 364.

8 Amirahmadian, a.g.e.

## تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

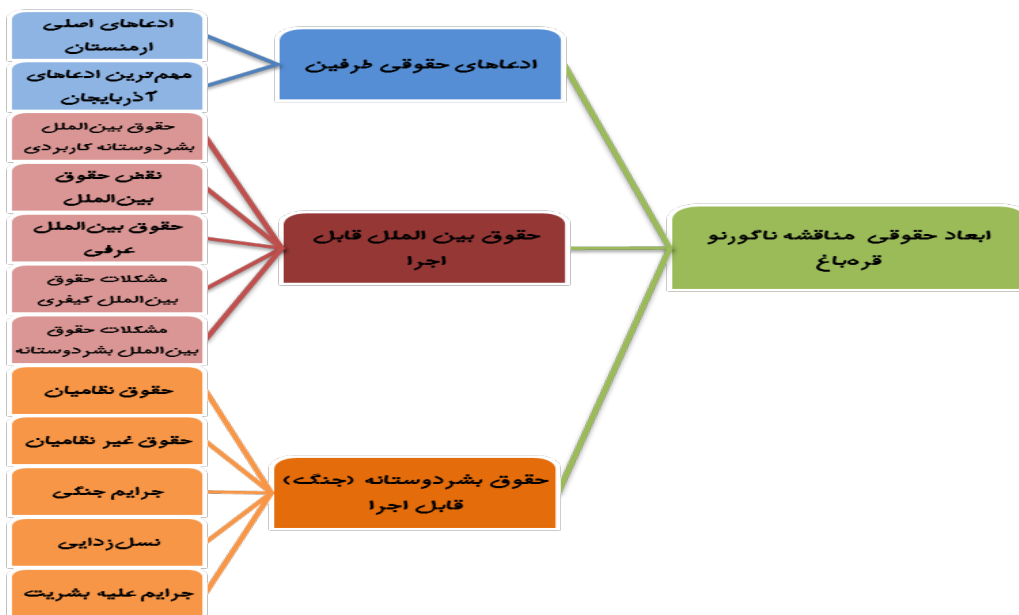
حزب کمونیست شوروی، جهت حفظ صلح میان مسلمانان و ارمنه، ناگورنو قره‌باغ را به آذربایجان داد ولی حق خودمختاری زیادی را برای این منطقه در نظر گرفت. برخی از نواحی دارای اهمیت راهبردی که آذربایجانی‌ها در آن اکثریت جمعیت را در اختیار داشتند؛ نظیر «زنگه‌زور» و «کازاک» که شامل ۹۰۰۰ کیلومتر مربع می‌شد؛ به ارمنستان داده شد. به‌طور کلی، طی دوره برقراری شوروی، حدود ۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین آذربایجان به ارمنستان انتقال یافت. در سال ۱۹۲۳، کمیته مرکزی حزب کمونیست، اقدام به تأسیس منطقه خودمختار ناگورنو قره‌باغ با مرکزیت خان‌کندی نمود.<sup>9</sup> طی سال‌های طولانی جنگ سرد جمعیت آذربایجانی ساکن در ارمنستان تحت فشار زندگی می‌کردند که این امر موجب شد تا بخش وسیعی از آن‌ها مبادرت به ترک این منطقه نمایند. مطابق آمارهای رسمی بیش از ۵۰۰۰۰ آذربایجانی طی سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳ از ارمنستان به آذربایجان کوچانده شدند.

در سال ۱۹۸۹، شورای عالی ارمنستان قانونی را تصویب کرد تا به انضمام ناگورنو قره‌باغ به ارمنستان و جهت قانونی دهد. این قانون مغایر با تمام اصول و هنجارهای حقوق بین‌الملل بوده و علناً تمامیت ارضی، کشور همسایه یعنی جمهوری آذربایجان را مورد تهدید قرار می‌داد. در ۱۳ ژانویه ۱۹۹۰، ارتش شوروی به باکو حمله کرده و اقدام به قتل عام غیرنظامیان نمود. کودکان، زنان و افراد مسن اولین قربانیان این تخریب گسترده بودند. این هجمه منجر به کشته شدن حدود ۱۵۰ نفر و ۷۰۰ زخمی شد. در سال ۱۹۹۱، ارمنه تأسیس جمهوری ناگورنو قره‌باغ را در مناطق کوهستانی آذربایجان، اعلام کردند. این اتفاقات در سال ۱۹۹۲ به یک جنگ تمام‌عیار میان نیروهای دو طرف مبدل شد که با موفقیت نیروهای ارمنی، همراه بود.<sup>10</sup> این امر باعث شد که اشغال منطقه ناگورنو قره‌باغ و مناطق پیرامونی آن در قلمروی آذربایجان، از سوی آن‌ها تا زمان جنگ ۴۴ روزه سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) استمرار داشته باشد. در طول قریب به سه دهه (۱۹۹۲ تا ۲۰۲۰)، علی‌رغم اینکه هیچ نهاد منطقه‌ای و بین‌المللی و هیچ کشوری (از جمله اعضای گروه مینسک، حامیان ارمنه و حتی ایروان) به لحاظ حقوقی، جمهوری خودخوانده قره‌باغ (آرتساخ) را به رسمیت نشناختند، اما در میدان سیاست، تمام تلاش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جهت حل مسالمت‌آمیز این منازعه بی‌اثر باقی ماند.

نام اصیل این شهر در سپتامبر سال 3291 از خان‌کندی به استپانکرت تغییر یافت که برگرفته از نام «استپان شامیان» از رهبران بلشویک‌ها 9 می‌باشد. در این اقدام مطامع، ارمنی‌سازی کمونیست‌ها بیش از مرام حزبی‌شان محسوس بود.

10 Amirahamdian, a.g.e. s. 365.

نمودار (۱): ابعاد حقوقی مناقشه ناگورنو قره‌باغ



## ۳ - حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مناقشه ناگورنو قره‌باغ

شاخه‌هایی از حقوق بین‌الملل که ارتباط تنگاتنگی با منازعات و درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی دارند شامل حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق کیفری بین‌المللی می‌شود. از این رو سعی خواهد شد این اصول در مناقشه ناگورنو قره‌باغ عملیاتی شود.

### ۳-۱- حقوق بین‌الملل قابل اجرا در مناقشه ناگورنو قره‌باغ

از منظر حقوق بین‌الملل، منطقه مورد مناقشه به عنوان بخشی از قلمروی سرزمینی آذربایجان شناخته می‌شود و هیچ کشوری، جمهوری خودخوانده آرامنه در آنجا را به رسمیت نشناخته است. قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد، در کنار عدم شناسایی حقوقی حکومت خودخوانده در مناطق اشغالی به‌طور تلویحی و آشکار مؤید این نکته است.

### ۳-۲- حقوق بشردوستانه قابل اجرا در مناقشه ناگورنو قره‌باغ

آذربایجان از اعضای کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ می‌باشد اما هنوز پروتکل الحاقی را تصویب نکرده است. لکن ارمنستان عضو هر دو سند مزبور می‌باشد. ماده ۲ مقرر می‌دارد: «کنوانسیون ۱۹۴۹ همچنین در مواردی که اشغال جزئی یا کلی سرزمین هر یک از متعاهدین صورت گرفته باشد؛ قابل اجرا است». تقریباً یک پنجم سرزمین آذربایجان به وسیله آرامنه اشغال شده بود که شامل ناگورنو قره‌باغ و هفت منطقه مجاور

## تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

آن می‌شد. رفتار ارمنستان مشمول پروتکل اول که در رابطه با منازعات مسلحانه بین‌المللی است؛ می‌باشد. منطقه ناگورنو قره‌باغ به عنوان جزئی از قلمرو آذربایجان درست بعد از استقلال از شوروی به رسمیت شناخته شد. این منطقه در تمام جهات توسط آذربایجان محاط شده است؛ به عبارتی کاملاً در داخل خاک آذربایجان قرار دارد. وقتی که ناگورنو قره‌باغ استقلال خود را اعلام کرد، این موقعیت از سوی جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته نشد. قبل از جنگ حدود ۰۸۱ هزار نفر در این منطقه زندگی می‌کردند. ناگورنو قره‌باغ منطقه‌ای به مساحت ۰۰۴/۴ کیلومتر مربع می‌باشد. این درگیری مسلحانه نمونه‌ای از یک جنگ مسلحانه غیر بین‌المللی یا داخلی بین‌المللی شده است، این جنگ، یک جنگ شهری بوده که نیروهای مسلح دیگر کشورها برای کمک به شورشیان مداخله کرده‌اند.<sup>11</sup> ارمنستان در این جنگ برای مبارزه با نیروهای مسلح آذربایجان مداخله کرده و کمک‌های اساسی به شورشیان نمود.<sup>12</sup> قوانین هر منازعه بسته به اینکه آن منازعه، مسلحانه بین‌المللی یا مسلحانه غیر بین‌المللی باشد؛ فرق می‌کند. همچنین این قوانین بسته به اینکه طرف‌های متخاصم دولت باشند یا افراد شورشی، متفاوتند. جنگ بین آذربایجان و ارمنه در این کشور، در منطقه ناگورنو قره‌باغ بر اساس ماده ۳ مشترک در چهار کنوانسیون ۹۴۹۱ ژنو یک جنگ داخلی به حساب می‌آید. ماده ۳ مشترک، تمام طرفین خصم در جنگ داخلی اعم از شورشیانی همچون شورشیان ناگورنو قره‌باغ را موظف و متعهد به پیروی از اصول و قواعد جنگ می‌کند و همچنین اشاره می‌کند که آن‌ها از هیچ حقی مبنی بر امضای کنوانسیون ۹۴۹۱ برخوردار نیستند. شورشیان در داخل هر کدام از کشورهای عضو دارای تعهدات و وظایفی هستند.<sup>13</sup>

ماده ۲ مشترک در هر چهار کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ اعلام می‌دارد که «این ماده بر تمام موارد جنگ‌های اعلام شده یا هر نوع جنگ مسلحانه بین دو یا چند دولت متعاهد کنوانسیون ژنو حتی اگر دولت جنگی به وسیله آن‌ها شناسائی نشده باشد اطلاق می‌شود». اطلاق جنگ بین‌المللی مسلحانه بین آذربایجان و ارمنستان نیازمند خصومت دفاکتو بین این دو کشور است. هر نوع مداخله از جانب نیروهای مسلح اعضای متعاهد مشمول ماده ۲ خواهد بود حتی اگر یکی از اعضاء وجود دولت جنگی<sup>14</sup> را انکار کند فارغ از اینکه جنگ برای چه مدت ادامه داشته باشد و چقدر کشتار صورت گیرد. در اینجا احترام به موجودیت انسان مطرح است نه اینکه چند نفر کشته شده باشند.<sup>15</sup>

11 H. P. Gasser, *Internationalized Non-International Armed Conflicts: Case Studies of Afghanistan*, American University Law Review, 33, 1983, s.145.

12 "Anonymous Azerbaijan: Seven Years of Conflict in Nagorno-Karabakh", *Human Rights Watch*, Helsinki 1994, s. 90-118.

13 "Commentary on the Additional Protocols of 1977", *ICRC*, Geneva 1987, s. 1345.

14 State of War.

15 *Commentary on IV Geneva Convention*, *ICRC*, Geneva 1958, s. 21.

### ۳-۳- حقوق نظامیان در مناقشه ناگورنو قره‌باغ

یکی از اصولی که بین جنگ مسلحانه بین‌المللی و جنگ مسلحانه داخلی متفاوت است؛ مداوای نظامیان دربرند است. نظامیان دربرند<sup>16</sup> در جنگ بین‌المللی مسلحانه از امتیازاتی برخوردارند.<sup>17</sup> نظامیان دربرند در جنگ‌های بین‌المللی مسلحانه در حقیقت اسرای جنگی<sup>18</sup> هستند. حداقل خدمات درمانی که آن‌ها باید دریافت کنند در کنوانسیون سوم ژنو آمده است (ماده 1۳0 کنوانسیون سوم).<sup>19</sup>

بر این اساس اعضای نیروهای مسلح ارمنی که توسط قوای آذربایجان اسیر شده‌اند در حکم اسرای جنگی هستند. این امر برای رزمندگان اسیر شده آذربایجانی توسط ارمنستان نیز صادق است. نیروهای آذربایجانی که به وسیله شورشیان اسیر شده‌اند در حکم اسرای جنگی مذکور در کنوانسیون سوم ژنو نمی‌باشند. شورشیان ناگورنو قره‌باغ نیز اسرای جنگی شناخته نمی‌شوند و از امتیازات آن برخوردار نیستند و دولت آذربایجان می‌تواند با آن‌ها به عنوان مجرمان معمولی برخورد کند. دولت آذربایجان ملزم نیست تا جایگاه «اسرای نظامی» را به شورشیان دستگیر شده بدهد. (هر چند که آذربایجان با شورشیان دستگیر شده به مانند اسرای جنگی رفتار کرده است). باید توجه کرد که واژه «اسرای جنگی» تنها شامل نظامیان دستگیر شده می‌شود نه غیرنظامیان.<sup>20</sup> کشتن عمدی، شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و هرگونه ضرب و شتم عمدی اسرای جنگی که باعث جراحات و صدمات جدی بر جسم شود؛ مطابق با کنوانسیون ژنو تخلف محسوب می‌شود. محروم کردن عمدی اسرای نظامی از داشتن محاکمه منصفانه که در سومین کنوانسیون ژنو توصیف شده است نیز تخلف اساسی از ماده ۰۳۱ کنوانسیون سوم ژنو محسوب می‌شود.<sup>21</sup>

با وجود این، بسیاری از ناظران بین‌المللی شامل سازمان‌های بشردوستانه و حقوق بشر در شمارش نظامیان دستگیر شده به وسیله دو طرف با مشکل روبرو شدند. بعد از اینکه این سازمان‌ها تحقیقات و نظرسنجی‌های لازم را انجام دادند؛ مشخص شد که تعدادی از آن‌ها در همان دوران جنگ به وسیله سرنیزه یا چاقو کشته شده‌اند. بسیاری از آن‌ها بعد از جنگ تا سر حد بی‌هوشی مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

بر اساس گزارشات اسرایی که موفق به فرار شدند، شکنجه با آب‌گرم، بستن به تانک و کشیدن روی زمین و وادار کردن به خودکشی توسط ارامنه رایج بوده است. چنین رفتارهایی با اسرای جنگی غیر قابل قبول

16 Captured Combatants

17 Walademar A. Solf, "The Status of Combatants in Non-International Armed Conflicts Under Domestic Law and Transnational Practice", *American University Law Review*, 33, 1983, s. 59.

18 Prisoners of War.

19 Gasser, a. g. e., s. 152.

20 Civilians.

21 Gasser, a. g. e., s. 157.



## تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

بوده و تخلف اساسی از قوانین حقوق بشر دوستانه بین‌المللی به شمار می‌رود.<sup>22</sup> همچنین عمل گروگانگیری و اسارت گروگان‌ها توسط ارامنه در این جنگ مسلحانه بین‌المللی هم ممنوع می‌باشد و تخلف اساسی از کنوانسیون ژنو ۹۴۹۱ محسوب می‌شود (ماده ۷۴۱ چهارمین کنوانسیون).<sup>23</sup> بنابراین دولت ارمنستان که اجازه گروگان‌گیری و نگهداری داده، تخلف اساسی از این ماده کرده است.

گزارش‌های سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی نشان از تخلفات اساسی کنوانسیون چهارم ژنو و پروتکل اول در زمینه حمایت از غیرنظامیان از سوی ارامنه دارد. نیروهای ارمنی منطقه «کلبجر»<sup>24</sup> آذربایجان را طی عملیات «لیتزرکیج»،<sup>25</sup> مورد هدف قرار دادند. در این یورش بسیاری از مقررات جنگی نادیده گرفته شدند. تخلفاتی از قبیل: بی‌خانمان کردن مردم، آتشباران بدون هدف<sup>26</sup> و گروگان‌گیری. همچنین مناطقی چون آغدام و کلبجر در زمان اشغال خالی و غارت شده باقی ماندند و هنگام تخلیه در سال ۲۰۰۲ به آتش کشیده شدند. غارت و نابودی اموال مردم از جمله موارد دیگر ممنوع شده است که در این جنگ اتفاق افتاد. در جریان حمله به «آغدام»<sup>27</sup> نیروهای ارمنی قره‌باغ، از قوانین جنگی زیادی تخلف کردند. تخلفاتی چون گروگانگیری، آتشباران بی‌هدف و وادار به ترک خانه و کاشانه کردن مردم. بعد از اینکه شهر اشغال شد؛ غارت شده و توسط نیروهای ارمنی سوزانده شد که از جمله دیگر موارد تخلف از حقوق جنگ بود.<sup>28</sup>

### ۳-۴- حقوق غیرنظامیان در مناقشه ناگورنو قره‌باغ

در این مورد غیرنظامیان آذربایجانی ساکن در مناطق اشغالی آذربایجان که به دست نیروهای ارمنستان افتاده بودند؛ مستحق حمایت کنوانسیون چهارم ژنو می‌باشند. شکنجه و قتل غیرنظامیان در ماده ۴ کنوانسیون ژنو ممنوع شده است.<sup>29</sup> مقررات کنوانسیون چهارم ژنو درباره مناطق اشغالی می‌باشد. بخش سوم با ممنوع کردن کلیه اشکال محرومیت انسان در هر شرایطی شروع می‌شود (ماده ۷۴). هر نوع انتقال افراد به صورت فردی یا جمعی ممنوع می‌باشد. اگرچه به تخلیه موقتی برخی از مناطق اجازه داده شده است اما آن هم در شرایطی است که به دلایل امنیتی و ضرورت نظامی صورت گیرد (ماده ۹۴).

تقریباً ارامنه از تمامی قوانین بین‌المللی در باب حقوق غیرنظامیان، در طول جنگ ناگورنو قره‌باغ تخطی کردند. غیرنظامیان در سرزمین‌ها اشغالی مورد شکنجه، کشتار دسته‌جمعی، تجاوز و رفتارهای تحقیرآمیز قرار

22 Shaw N. Malcolm, *The Heritage of States: The Principle of Uti Possidetis Juris Today*, Clarendon Press, Oxford 1977, s. 90.

23 T. Musayev, *Legal Aspects of Nagorno-Karabakh Conflict*, NFA Press, Baku 2007, s. 15.

24 Kelbajar.

25 Blitzkrieg.

26 Indiscriminate Fire.

27 Agdam.

28 "ICRC Annual Report (2006) Azerbaijan", ICRC, Geneva 2006, s. 241.

29 Gasser, a.g.e., s. 125.

گرفتند. بالغ بر ۲۰ هزار نفر غیرنظامی کشته شدند، بالغ بر ۵۰ هزار نفر به دلیل تخلف نیروهای ارمنی از ماده ۴ کنوانسیون ژنو معلول شدند. با تخلف از ماده ۴۹ و در قالب پاک‌سازی نژادی بیش از صد هزار نفر مجبور و وادار به ترک سرزمین‌های‌شان شدند. بسیاری از غیرنظامیان مجبور به کارهای اجباری شدند کارهایی که همواره توأم با خطر مرگ بود که تجاوز از ماده ۵۱ را به همراه داشت. در نتیجه تخلف از ماده ۵۳ بیش از ۹۰۰ مسکن غارت، سوزانده و نابود شدند؛ حدود ۶ هزار شرکت صنعتی و کشاورزی غارت شده و نابود شدند؛ ۱۵۰ هزار ساختمان مسکونی به همراه ۹ میلیون متر مربع از مناطق مسکونی و ۴۳۶۶ امکانات اجتماعی و کشاورزی تخریب و ویران گشتند؛ ۶۹۵ مرکز پزشکی به سرنوشت مشابهی دچار شدند.<sup>30</sup>

## ۳-۵- حقوق بین‌الملل عرفی در مناقشه ناگورنو قره‌باغ

حقوق بین‌الملل عرفی نقش بارزی را در منازعه ناگورنو قره‌باغ ایفاء می‌کند. در اینجا درباره برخی از قوانینی که طرفین منازعه باید به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی رعایت کنند، اما متأسفانه دولت ارمنستان از آن‌ها عدول کرد، بحث می‌کنیم.

یکی از مهم‌ترین موارد، قانون ممنوعیت حمله به اشخاص<sup>31</sup> است. این قانون حین جنگ و عملیات نظامی یکی از قوانین مهم می‌باشد. این قانون در ماده ۴۱ و در ماده ۸۵ از پروتکل اول و ماده ۴ از پروتکل دوم آمده است. این قانون در بسیاری از آیین‌نامه‌های نظامی دیده می‌شود. این قانون به عنوان حقوق بین‌الملل عرفی شناخته شده است.<sup>32</sup> از دیگر حقوق بین‌الملل عرفی می‌توان به تمییز نظامیان از غیرنظامیان اشاره کرد. نظامیان باید حین جنگ و عملیات نظامی باید متمایز از غیرنظامیان باشند. دلیل این امر آن است که اگر آن‌ها قابل تمییز نباشند حق برخورداری از اسارت جنگی را از دست می‌دهند. این قانون مشمول ماده ۴۴ پروتکل اول می‌باشد. دو مورد از قوانین عرفی حقوق بین‌الملل عرفی در جنگ ناگورنو قره‌باغ نادیده گرفته شدند:

- طرفین درگیر در جنگ‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی نباید مردمان غیرنظامی را به اجبار وادار به ترک مناطق خود کنند چه جزئی و چه کلی. مگر اینکه دلایل امنیتی و آمرانه نظامی دخیل باشد؛
- دولت‌ها نباید جمعیت خودی را به مناطق اشغال شده و تخلیه شده منتقل کنند.

30 Musayev, a.g.e, s. 9.

31 Hors de combat.

32 J. M. Henckaerts-L. Doswald-Beck, *Customary International Humanitarian Law*, Volume I, Cambridge University Press, Cambridge 2005, s. 161-165.

قانون اول به وسیله اقدامات پاک‌سازی قومی آرامنه در سرزمین‌های اشغالی آذربایجان در سال‌های اولیه اشغال، نادیده گرفته شد. قانون دوم نیز زمانی که جمعیت ارمنی در سرزمین‌های اشغالی ساکن شدند، مورد بی‌توجهی قرار گرفت. هر دو این قوانین در ماده ۸۵ پروتکل اول آمده است.

### ۳-۶- جرائم جنگی در مناقشه ناگورنو قره‌باغ

همان‌طور که اشاره شد در این جنگ تخلفات اساسی و جدی از حقوق بشردوستانه بین‌المللی صورت گرفت. تخلفات یادشده طبق اساسنامه رم<sup>33</sup> جرائم جنگی محسوب می‌شود. یکی از جرائم جدی در این جنگ کشتار عمدی بود. کشتن عمدی یکی از جرائم جنگی اشاره شده در اساسنامه رم می‌باشد. افراد بی‌شماری، در جریان حمله ارمنستان به قلمرو آذربایجان کشته شدند. کشتار عمدی زندانیان و افراد غیرنظامی در جریان حمله به کلبجر، آغدام، قوبادلی، جبرائیل، فیضولی، زنگلان و دیگر مناطق آذربایجان گزارش شده است. از دیگر جرائم رایج آرامنه در جنگ ناگورنو قره‌باغ گروگان‌گیری است. گروگان‌گیری بر اساس اساسنامه رم جنایت جنگی محسوب می‌شود. از این گروگان‌ها برای مقاصد سیاسی و گرفتن امتیاز استفاده می‌شوند. (برای نمونه از این گروگان‌ها به عنوان سپر در عملیات‌های نظامی و کشتن آن‌ها در ملا عام به منظور ترساندن دشمن استفاده می‌شود).<sup>34</sup>

جرم دیگری که در این جنگ رایج بود و در اساسنامه رم هم آمده است. حملات عمدی با آگاهی از خسارات و لطمات شدید آن نسبت به غیرنظامیان، تخریب استحکامات شهری و همچنین لطمات شدید به طبیعت است. چنین جنایتی در طول حملات آرامنه به کلبجر، آغدام، قوبادلی، جبرائیل، فیضولی، زنگلان و دیگر مناطق آذربایجان بارها گزارش شده است.<sup>35</sup>

یکی دیگر از جرائمی که در اساسنامه رم آمده است و در جنگ ناگورنو قره‌باغ از سوی آرامنه صورت گرفت انتقال مستقیم و غیر مستقیم آرامنه به مناطق اشغالی بود. طبق ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو، هر نوع انتقال فردی و جمعی، جزء یا کل جمعیت مناطق اشغالی به قلمرو دولت اشغال‌گر یا هر کشور دیگری، فارغ از انگیزه آن، جنایت جنگی محسوب می‌شود. ماده ۸۵ پروتکل اول، انتقال افراد خودی را به مناطق اشغالی ممنوع کرده است. هر نوع انتقالی باید مطابق با حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد. در جنگ ناگورنو قره‌باغ ۴۵۰۰۰۰ آذربایجانی به وسیله آرامنه اشغال‌گر، مجبور به ترک سرزمین خود گردیدند و از طرف دیگر آرامنه‌ای از سوریه، لبنان و ... به این مناطق انتقال داده شدند. چنین انتقال جمعیت در حد گسترده و بی‌خانمان کردن مردم، مثال روشنی از انتقال اجباری و جنایت است.<sup>36</sup>

33 Rome Statute

34 Gasser, a.g.e. s. 145

35 Henckaerts-Doswald-Beck, a.g.e., s. 201.

36 Musayev, a.g.e. s. 6.

از دیگر جرائم صورت گرفته در این جنگ آتش زدن شهر است. دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، در مورد سلیبسی<sup>37</sup> مفهوم آتش زدن در معنی سنتی آن را یکی از عناصر تخلف می‌داند. متأسفانه، غارت و آتش زدن تبدیل به عادت ارامنه در این مناقشه شده بود.<sup>38</sup> و این روند تا زمان خروج اشغالگران در حین و پس از جنگ ۴۴ روزه ادامه داشت. بمباران شهرهای گنجه، مینگه‌چویر و ترتر در طی جنگ ۴۴ روزه موجب تعجب افکار عمومی در سطح جهانی از این سطح از وندالیسم شده بود.

## ۷-۳- نسل‌زدائی در مناقشه ناگورنو قره‌باغ

طی مناقشه ناگورنو قره‌باغ، ارامنه اعمال متعددی را علیه جمعیت آذربایجانی واقع در سرزمین‌های اشغالی قره‌باغ و همچنین آذربایجانی‌های ساکن ارمنستان انجام داده‌اند که می‌توان از آن‌ها با عنوان نسل‌زدائی یاد کرد. این اعمال با هدف نابودی بخشی از جمعیت آذربایجانی که در آن مناطق زندگی می‌کردند؛ صورت گرفته است. بنابراین طبق تعریف جرم نسل‌زدائی در کنوانسیون مربوط به نسل‌زدائی و همچنین اساسنامه رم، که قبلاً مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ این اعمال را می‌توان نسل‌زدائی که هدف آن نابودسازی گروه‌های قومی است؛ دانست. گروه قومی گروهی است که اعضای آن دارای ویژگی‌های مشترک زبانی و فرهنگی هستند.<sup>39</sup> در ادامه به بررسی اعمال نسل‌زدائی می‌پردازیم؛ از اول ژانویه ۸۸۹۱، ارامنه شروع به اجرای سیاست موسوم به «ارمنستان بدون ترک‌ها» کردند.<sup>40</sup>

یکی از مهم‌ترین حوادث دهشتناک منازعه ناگورنو قره‌باغ، حوادث نسل‌زدائی در خوجالی بود. در ۶۲ فوریه ۲۹۹۱، نیروهای مسلح ارمنستان، شبه نظامیان مسلح ارمنی ناگورنو قره‌باغ و گردان ۶۶۳ نیروهای پیاده نظام اتحاد جماهیر شوروی، بین عسگران و خان‌کندی مستقر شدند و با تصرف شهر به اعمال جنایت‌کارانه نسل‌زدائی مبادرت ورزیدند. با استقرار گردان ۶۶۳ نیروهای پیاده نظام شوروی در اطراف شهر، مقدمات حمله به خوجالی که در ۵۲ فوریه به وقوع پیوست؛ فراهم گردید. تجاوز به شهر با آتش تانک‌ها به مدت ۲ ساعت و همچنین خودروهای نظامی آغاز شد. آن‌ها همچنین از موشک‌های «آلازان» نیز استفاده کردند. در نتیجه خوجالی از سه طرف محاصره شد و مردم تلاش می‌کردند تا از مسیر عسگران فرار کنند. بخشی از این جمعیت غیرنظامی در هنگام فرار با سربازانی که قبلاً بین راه کمین کرده بودند؛ مواجه شده و کشته شدند. ماهیت سازمان‌یافته کشتار مردم خوجالی از این نقشه کاملاً از پیش طراحی شده، مشخص می‌باشد. طرحی که جهت نابودی ساکنان در هنگام فرار برای نجات جان خویش برنامه‌ریزی شده بود.<sup>41</sup> همچنین گروه‌های

37 Celebici case

38 Michael Lund, *The Conflict Prevention Capacities of the United States Government in the South Caucasus*, Fewer Eastwest Institute, USA 2001, s. 4.

39 Charles Hermann, *International Crisis as Situational Variable*, The Free Press, New York 1969, s. 409-421.

40 Olga Oliker-Thomas Szayna, *Fault Lines of Conflict in Central Asia & the South Caucasus*, RAND Institute Press, New York 2003, s. 80.

41 Oliker-Szayna, a.g.e., s. 86.

## تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

ارمنی که از لباس‌های استتار استفاده می‌کرده‌اند؛ با استفاده از هلیکوپتر، افرادی را که توانسته بودند جان سالم به در ببرند، اسیر کرده و شکنجه می‌نمودند. این وقایع ثابت می‌کنند که ارمنه به طور آگاهانه‌ای خواستار نابودی آذربایجانی‌های خوجالی به هر قیمتی بودند.<sup>42</sup>

حادثه دیگر نسل‌زدائی که از سوی ارمنه علیه آذربایجانی‌ها انجام گرفت؛ عبارت است از عملیات نظامی ارمنی که در اول آوریل ۱۹۹۱، در منطقه کلبجر صورت گرفت. شواهد موجود حاکی از این است که در طول منازعه یعنی ششم و هفتم آوریل ۱۹۹۱، دستورات نظامی از مرکز فرماندهی در «واردنیس» ارمنستان به ایستگاه رادیویی مستقر در منطقه «اوراگان» مبنی بر قتل و دفن سریع قربانیان فرستاده شده است.<sup>43</sup>

نسل‌زدایی‌های خوجالی و کلبجر تنها بخش کوتاهی از تخریب و پاک‌سازی قومی هستند که توسط نیروهای نظامی ارمنی علیه جمعیت غیرنظامی آذربایجانی صورت گرفته‌اند. حوادث مشابهی در نقاط دیگر منطقه اشغالی ناگورنو قره‌باغ انجام گرفته بودند. از پیش‌شرط‌های دیگر جرم نسل‌زدائی نابودی بخش وسیعی از یک گروه مشخص می‌باشد. این امر نیز به وضوح در جریان حوادث مذکور قابل اثبات است.<sup>44</sup>

### ۳-۸- جرائم علیه بشریت در مناقشه ناگورنو قره‌باغ

جرائم علیه بشریت جرائمی هستند که می‌توانند علیه هر جمعیت غیرنظامی صورت گیرند. این امر بدین معنی است که جرائم علیه بشریت می‌توانند علیه یک فرد بی‌دولت و بی‌تابعیت، یا غیر نظامیانی که دارای ملیت مشابه با مرتکب جرم هستند و همچنین شهروندان خارجی به وقوع بپیوندند. در مورد منازعه قره‌باغ، این واقعیت که جرائم علیه بشریت می‌توانند علیه غیرنظامیان خودی صورت گیرند؛ بسیار مهم است چرا که این ویژگی تنها چیزی است که جرائم علیه بشریت ارمنه را از جرائم جنگی آنان که هر دو علیه جمعیت آذربایجانی مرتکب گردیده‌اند، متمایز می‌کند.

در روزهای آغازین منازعه ناگورنو قره‌باغ، حملات وسیع و برق‌آسای ارمنه علیه جمعیت غیرنظامی آذربایجانی که در قلمروی ارمنستان نوین زندگی می‌کردند، منجر به مرگ بسیاری از آذربایجانی‌ها و همچنین اخراج بقیه آنان از ارمنستان شد. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، اخراج جمعیت را به عنوان جابجایی اجباری افراد یا تبعید آنها به صورت اجباری از مکانی که به صورت قانونی در آن حضور دارند؛ تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، اخراج عبارت است از راندن اجباری افراد به سرزمین کشور دیگر. در حقیقت، ارمنه با کشتن و اخراج جمعیت آذربایجانی ساکن در ارمنستان، مرتکب جنایت علیه بشریت شده‌اند. در نتیجه این

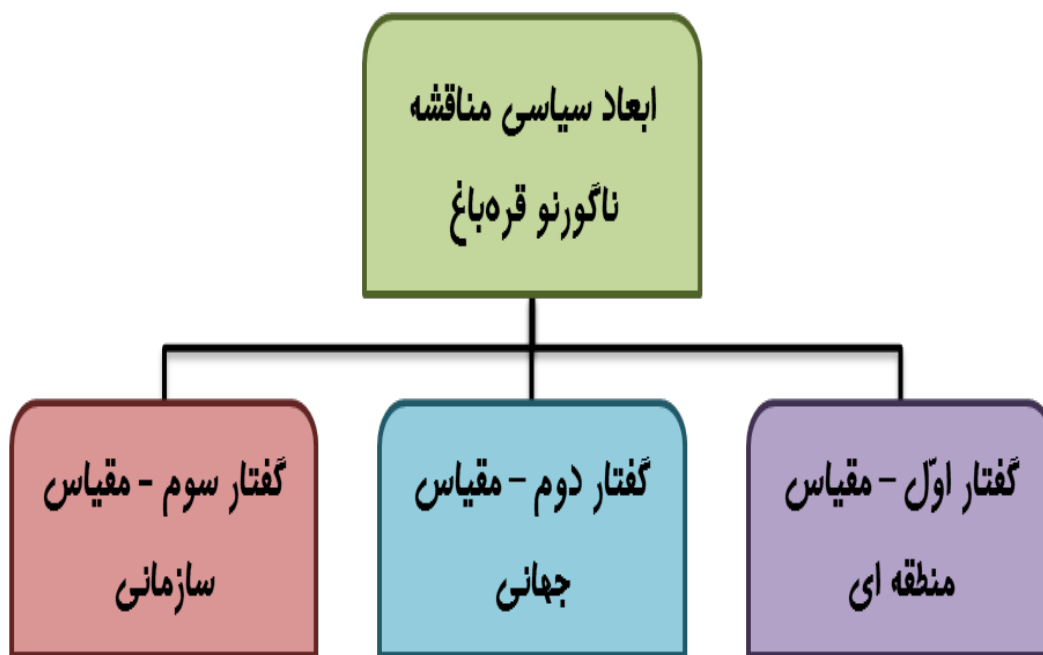
42 Abdollah Ramezanzadeh, *Iran's Role as Mediator in the Nagorno-Karabakh Crisis, Contested Borders in the Caucasus*, VUB Press, Brussels 1996, s. 32

43 Ramezanzadeh, a.g.e., s. 32.

44 Natalie Sabanadze, *International Involvement in the South Caucasus*, European Center for Minority Issues, Working Paper, No. 15, Feb. 2002, s. 25-29.

جنایت، ۲۵۰۰۰۰ آذربایجانی از ارمنستان اخراج شده و ۲۱۷ نفر از آنان به قتل رسیدند.

نمودار (۲): ابعاد سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

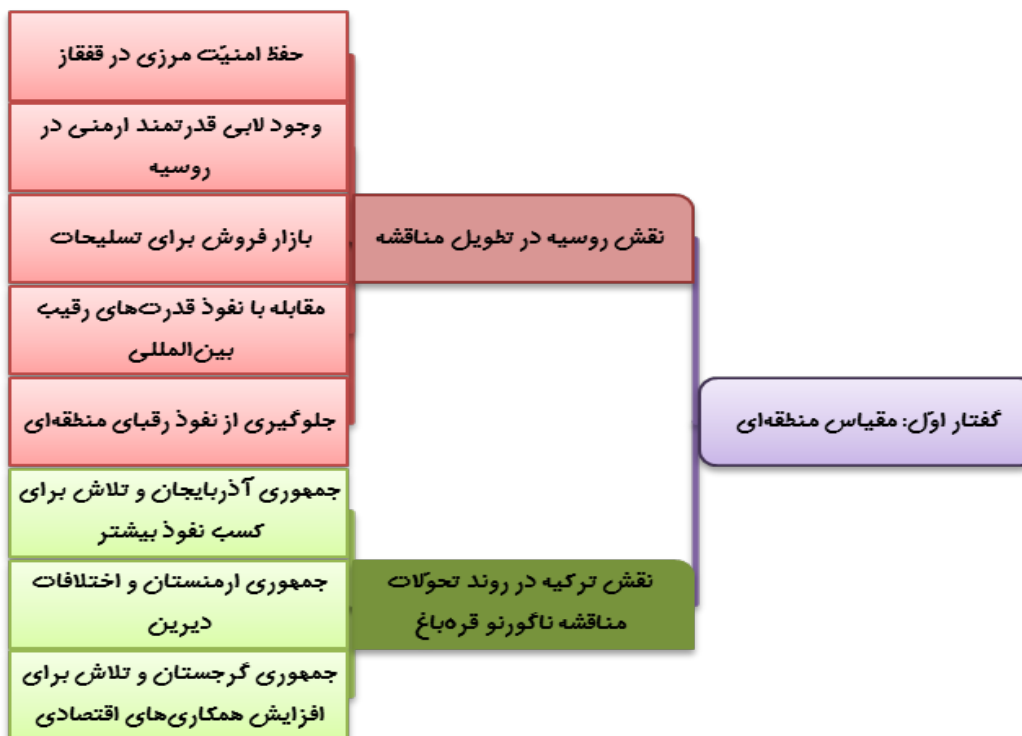


#### ۴ - ابعاد سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

سیاسی شدن بحران ناگورنو قره‌باغ هم‌زمان با کاهش جنبه نظامی - امنیتی مناقشه، موجبات تطویل آن را نیز فراهم آورد. با توجه به نقش محوری عنصر ژئوپولیتیک در صحنه رقابت قدرت‌های عمده نظام بین‌الملل و اهمیت ژئوپولتیکی منطقه قفقاز جنوبی، پرداختن به مشخصات و ویژگی‌های سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ ضروری به نظر می‌رسد.

## تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

نمودار (۳): ابعاد سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ در مقیاس منطقه‌ای



### ۱-۴- نقش روسیه در تطویل مناقشه ناگورنو قره‌باغ

سیاست خارجی روسیه در ارتباط با منطقه قفقاز از عوامل مختلفی سرچشمه می‌گیرد که از آن جمله می‌توان اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه، تعدد گروه‌های مختلف قومی و مذهبی و قابلیت‌های عظیم اقتصادی آن را نام برد. بنابراین سیاستمداران روس به دنبال فروپاشی شوروی علی‌رغم از دست دادن بخش‌هایی از منطقه قفقاز جنوبی، در چارچوب سیاست خارج نزدیک، سعی در نفوذ و سلطه نظامی و سیاسی خویش بر این منطقه برآمدند.<sup>45</sup>

هرچند که به دنبال فروپاشی شوروی، روسیه جایگاه اقتصادی خویش را در منطقه قفقاز متزلزل یافت، لکن به لحاظ سیاسی و امنیتی همچنان به عنوان مهم‌ترین بازیگر در این منطقه باقی مانده است. ماهیت روابط روسیه با همسایگانش همان‌طور که از تاریخ حضور روسیه در منطقه نیز پیداست، به صورت استیلای نظامی بوده است. این امر موجب شده است.<sup>46</sup> لکن با توجه به تفاوت فاحش قدرت نظامی روسیه

45 Bahram Amirahmadian, "Security Threats in the Caucasus", *Central Asian and Caucasus Studies*, 2(13), Tehran 1996, s. 189.

46 Paul Goebbels, *Russia and its Neighbors*, trans. Qasem Maleki, *Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies*, 2(1), 1993, s. 234.

با همسایگانش در این منطقه، نگرانی عمده روس‌ها در قفقاز جنوبی بیشتر از طرف بازیگران تازه‌نفسی چون ترکیه و چین است.<sup>47</sup>

عامل دیگری که موجب بالا رفتن اهمیت قفقاز برای روسیه می‌شود؛ نقش ارتباطی این منطقه برای روسیه است.<sup>48</sup> به لحاظ راه‌های زمینی منطقه قفقاز روسیه را به ایران و آب‌های گرم خلیج فارس متصل می‌کند. به لحاظ ارتباطات دریایی نیز، از آنجا که مهم‌ترین راه ارتباطی روسیه به آب‌های بین‌المللی از طریق دریای سیاه و تنگه‌های «بوسفور» و «داردافل» است؛ قفقاز برای روسیه حائز اهمیت می‌باشد. علاوه بر این، منطقه قفقاز شاهراه نفوذ روسیه به منطقه مهم و پرتلاطم خاورمیانه است.<sup>49</sup> علاوه بر جنبه‌های امنیتی، قفقاز از نظر اقتصادی نیز برای روسیه مهم است. در این رابطه می‌توان به مسائل انرژی و خطوط انتقالی آن از این منطقه به اروپا اشاره نمود. حضور شرکت‌های غربی به منظور بهره‌برداری و اکتشاف نفت و گاز در آذربایجان به طور همزمان تهدیدات اقتصادی و امنیتی را متوجه روسیه می‌سازد. به عبارت دیگر، خط لوله نفتی «باکو - تفلیس - جیحان» که در سال ۱۳۸۱ به بهره‌برداری رسید، در کنار ابرپروژه انتقال گاز آذربایجان و ترکمنستان به اروپا موسوم به «نابوکو»، نگرانی دائمی مسکو در خصوص بازار انرژی اروپا است.<sup>50</sup>

در کنار عوامل محسوس اقتصادی و امنیتی جریان‌های فکری قومی و دینی که از طریق قفقاز وارد روسیه می‌شوند نیز از نگرانی‌های عمده این کشور می‌باشد. در ارتباط با جریان‌های قومی می‌توان به جریان فکری هویت‌طلبی ترکی اشاره نمود که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال بخشی از جمهوری‌های ترک‌زبان از روسیه، جان تازه‌ای به خود گرفت. آنچه این کنش قومی را برای روسیه متفاوت از دیگر جریان‌ها می‌سازد؛ ظهور و شکل‌گیری ایده اولیه این نحله فکری از میان تاتارهای روسیه است. به عبارت روشن‌تر، پان‌ترکیسم برای اولین بار توسط «اسماعیل گاسپرینسکی» - که بعدها به اسماعیل گاسپیرالی ملقب شد - در حواشی دریای سیاه یعنی در شبه‌جزیره کریمه ابداع گردید و ضربات سنگینی را بر ارتش روسیه تزاری طی دوران جنگ جهانی اول وارد نمود.<sup>51</sup> از این رو، جریان فکری پان‌ترکیسم در دو بعد داخلی و خارجی تهدیداتی را متوجه امنیت ملی روسیه می‌سازد. به‌طور کلی این امر روسیه را در مقابل ترکیه قرار می‌دهد که در جستجوی بهره‌برداری از شباهت‌های قومی و فرهنگی در این منطقه با محوریت آذربایجان است.<sup>52</sup> در خصوص مهم‌ترین جریان‌های فکری مذهبی نیز می‌توان به بنیادگرایی اسلامی در میان قومیت‌های مختلف

47 Seyed Mohammad Kazem Sajjadpour, "Russia and the Caucasus: Economics and Security Considerations", *Quarterly Journal of Central Asia and the Caucasus*, 8, 1994, s. 77.

48 Gholamreza Hashemi, "Security in the South Caucasus", *Office of Political and International Studies*, Tehran 2005, s. 129.

49 Hashemi, a.g.m., s. 129.

50 Narsi Ghorban, "The Role of the Multinational Companies in the Development of Oil and Gas Resources in Central Asia and Caucasus", *The Iranian Journal of International Relations*, 5(1), 1993, s. 20.

51 Jacob M. Landau, *Pan-Turkism: From Irredentism to Cooperation*, trans. Hamid Ahmadi, Nashr-e Ney, 2003, s. 132.

52 Rahmatullah Fallah, "The Confrontation of the Cultural Pattern of Turkey and Iran in Central Asia and the Caucasus", *Quarterly Journal of Strategic Studies of the Islamic World*, 34, Tehran 2007, s. 214.



## تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

روسیه اشاره کرد که در ارتباط تنگاتنگ با مسلمانان قفقاز و خاورمیانه قرار دارد. جریان اسلام‌خواهی می‌تواند با ایجاد خودآگاهی در جمعیت فزایندهٔ مسلمان روسیه، مسائلی را برای هویت ملی روسیه به وجود آورد. بحران چچن که مهم‌ترین تهدید داخلی برای امنیت ملی روسیه به شمار می‌رود، مصداق عینی این امر است.<sup>53</sup>

سیاست خارجی روسیه در ارتباط با مناقشه ناگورنو قره‌باغ متأثر از پنج عامل زیر می‌باشد:

- حفظ نفوذ در این بخش حساس از خارج نزدیک از طریق نگه داشتن استخوان لای زخم؛
- وجود لابی قدرتمند ارمنی در روسیه؛
- بازار فروش برای تسلیحات؛
- مقابله با نفوذ قدرت‌های رقیب فرمانطقه‌ای نظیر آمریکا، اتحادیه اروپا و احتمالاً در آینده چین مترصد احیای جاده ابریشم از طریق مسیر آسیای مرکزی و قفقاز؛
- ژئواکونومی انرژی و خطوط انتقالی آن؛
- جلوگیری از نفوذ رقبای منطقه‌ای نظیر ترکیه و ایران.<sup>54</sup>

### ۲-۴- اقدامات و نقش ترکیه در روند تحولات مناقشه ناگورنو قره‌باغ

به دنبال استقلال کشورهای منطقه قفقاز جنوبی از شوروی در سال ۱۹۹۱، انحصار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی روسیه در این منطقه توسط سایر قدرت‌های منطقه‌ای به چالش کشیده شد. یکی از مهم‌ترین این بازیگران، ترکیه بود که سعی نمود با بهره‌گیری از اشتراکات قومی، زبانی، تاریخی و دینی با آذربایجان، نقش ویژه‌ای در منطقه بر عهده گیرد. البته علقه‌های بین دو آذربایجان و ترکیه چنان زیاد است که منجر به طرح شعاری چون «دو دولت و یک ملت» در میان ملی‌گرایان هر دو کشور شده است.<sup>55</sup>

از سویی دیگر، ترکیه به دنبال ناکامی در پیوستن به اتحادیه اروپا، به تلاش‌های خویش برای یافتن جایگاهی درخور در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است. چرا که آموزه‌های ژئوپلیتیکی، آنکارا را به بهره‌گیری از موقعیت بی‌بدیل ترکیه در اتصال خاورمیانه، اوراسیای مرکزی و بالکان‌ها ترغیب می‌کند تا از این طریق، در بازی با اروپا، از کارت‌های جدیدی رونمایی کند. از سوئی دیگر، گرچه چین در آینده مهم‌ترین هم‌اورد روسیه

53 Zibigniew Brezinski, *World Order of the Future*, New York 1994, s. 235.

54 Mahmoud Vaezi, *Mediation in Central Asia and the Caucasus: The Experience of the Islamic Republic of Iran*, Office of Political and International Studies, Tehran 2009, s. 188.

55 Mohammad Reza Jalali, "Caucasus, and Central Asia: The Entrance into the Scene and the Re-Composition of the Geostrategic Space", *Central Asia and the Caucasus Studies*, 2(6), 1994, s. 28.

در آسیای مرکزی پنداشته می‌شود اما ترکیه می‌تواند با داشتن بهترین زمینه تشریک مساعی در این مناطق، از برخورد منافع مسکو و پکن برای تعیین حقوق ویژه خود در این مناطق نماید.

به‌لحاظ تاریخی، تمایل ترکیه نسبت به برقراری روابطی ویژه با کشورهای ترک‌زبان منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به دوران حاکمیت ترک‌های جوان در واپسین سال‌های حیات امپراطوری عثمانی برمی‌گردد، لکن در آن برهه تاریخی، رهبران ترکیه ناچاراً معطوف به اروپا شدند و نخواستند همزمان با شوروی یک رقابت بسیار تنش‌زا را آغاز کنند.<sup>56</sup> لکن این تمایل خفته با فروپاشی شوروی جان تازه‌ای به خود گرفت و روند بطئی بر هم خوردن توازن قوا در برّ قدیم در اثر سیاست کلان چرخش آمریکا از حوزه استراتژیک آتلانتیک به پاسیفیک و تمرکز بر مقابله با چین در دریای چین جنوبی از یک سو و عدم آمادگی بازیگران اروپایی برای ایفای نقشی قاطع و پر کردن جای خالی ایالات متحده، موجب تحولاتی چون پررنگ شدن حضور مسکو در خاورمیانه و شمال آفریقا (سوریه، لیبی) و ایجاد فرصت طلایی برای بازیگران منطقه‌ای (از جمله ترکیه) برای بسط مناطق نفوذ خود شده است. روشن است که با روندی دومینووار، این تحولات به مناطق پیرامونی خاورمیانه نیز سرایت خواهد کرد. کما اینکه بحران مهاجرین، اروپا را تحت تأثیر قرار داده است و اکنون نوبت به تحول در قفقاز جنوبی رسیده است. اتخاذ رویکرد غربگرایانه توسط نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر مستقر ارمنستان، به عنوان متغیر مداخله‌گر،<sup>57</sup> تسهیل‌کننده بازنگری مسکو در سیاست همیشگی خود در قفقاز جنوبی و امکان ایجاد فضای بیشتر برای بازیگر هشیار و مترصدی چون ترکیه بوده است. تا تلاش کند با حمایت از مواضع آذربایجان، به آرزوی دیرینه خود برای ایجاد مسیری از استانبول تا قلب آسیای مرکزی از طریق دالان زنگه‌زور جامعه عمل بپوشاند.

سیاست قربات ترکیه به کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای مرکزی و قفقاز که توسط سلیمان دمیرل، رئیس‌جمهور وقت ترکیه، در اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی بنیان نهاده شده بود،<sup>58</sup> از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه وارد مرحله جدیدی شده است. اگر در سال‌های اولیه برقراری و توسعه روابط با کشورهای ترک‌تبار این منطقه، بر محور اهداف فرهنگی و سیاسی قرار داشت، اکنون به اشتراکات دینی نیز پرداخته می‌شود و با ابتکاری هوشمندانه، اهداف اقتصادی را نیز در کنار اهداف مذکور دنبال می‌کند و تأکید ویژه‌ای بر روابط اقتصادی متقابل دارد. بنابراین، اهداف ترکیه در منطقه چندبعدی و دارای وجوه گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است.

به طور کلی، اهمیت منطقه قفقاز جنوبی برای ترکیه ناشی از عوامل زیر است:

- آذربایجان و تلاش برای کسب جایگاه قابل قبول در نزدیک‌ترین کشور به‌لحاظ بنیان‌های هویتی؛

56 Abdol Ahad Behrad, *Karabakh in the Perspective of History*, Ark, Tabriz 1372, s. 84.

57 Interfering Variable.

58 Alireza Sheikh Attar, *The Roots of Political Behavior in Central Asia and the Caucasus*, Publishing Institute of the Ministry of Foreign Affairs of Iran, Tehran 1992, s. 27.

## تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

- ارمنستان و اختلافات تاریخی ارمنه با ترک‌ها؛
- گرجستان و تلاش برای افزایش همکاری‌های اقتصادی با این کشور؛
- ایجاد سرپلی واسط بین جهان ترک از تنگه‌های استراتژیک بسفر - داردانل تا قلب آن در آسیای مرکزی؛
- آمادگی بیشتر برای جهانی با محوریت همزمان واشنگتن و پکن؛
- ژئواکونومی انرژی.

نمودار (۴): ابعاد سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ در مقیاس جهانی



### ۳-۴- اقدامات و نقش ایالات متحده آمریکا در روند تحولات مناقشه ناگورنو قره‌باغ

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، سیاست ایالات متحده آمریکا نسبت به جمهوری‌های تازه استقلال یافته آن، متأثر از عواملی مختلف، چون نگرانی از آینده روسیه و کنترل انبارهای تسلیحات هسته‌ای اقمار شوروی بود. به همین دلیل نیز، آن دسته از کشورهایی چون اوکراین و قزاقستان که در قلمروی خود پذیرای تسلیحات هسته‌ای - و احتمالاً فناوری‌اش - بودند، به طور مقطعی اهمیت ویژه‌ای یافتند و چون هیچ یک از کشورهای واقع در منطقه قفقاز دارای چنین خصوصیتی نبودند؛ به فراموشی سپرده شدند. علاوه بر این،

آمریکایی‌ها اطلاعات ناچیزی از مردم و مشکلات منطقه داشتند<sup>59</sup> و نهایت آشنائی آنان از مردمان این منطقه به فعالیت‌های دیاسپورای ارمنی - به‌ویژه در کالیفرنیا و ایالات شمال شرقی - محدود می‌شد.

وجود ذخایر قابل توجه نفت و گاز در دریای خزر و طرح ایده بیضی استراتژیک انرژی، نهایتاً توجه شرکت‌های نفتی آمریکا را به خود جلب کرد و دولتمردان ایالات متحده آمریکا را وادار نمود تا خود را بیشتر از قبل درگیر مسائل منطقه قفقاز جنوبی سازند. حضور برخی از این شرکت‌ها در صنایع و کنسرسیوم انرژی فسیلی آذربایجان اهمیت این منطقه را برای آمریکا برجسته کرد و ملاحظات امنیتی جدیدی را برای روسیه و ایران به وجود آورد. لکن از همان دوران شکلگیری تحولات این منطقه، آمریکا با سیاست بی‌طرفی خویش نسبت به بحران چچن نشان داده بود که سیادت روسیه را به عنوان قدرت اصلی در منطقه قفقاز پذیرفته است. با وجود اینکه بیش از قریب به سه دهه از استقلال کشورهای این منطقه می‌گذرد؛ تغییر بنیادینی در این استراتژی آمریکا صورت نگرفته است.<sup>60</sup> به نظر می‌رسد که بین مسکو و واشنگتن از زمان پایان بحران موشکی کوبا (۱۹۶۲)، پیمانی نانوشته برقرار است که به حیاط خلوت یکدیگر (حوزه خارج نزدیک برای مسکو و آمریکای مرکزی و جنوبی برای واشنگتن) احترام بگذارند و در صورتی که یکی از طرفین این اصل را زیر پا گذاشت، طرف مقابل واکنش سختی نشان خواهد داد که واکنش تند کندی، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، به بحران موشکی کوبا (تهدید هسته‌ای) و پوتین به بحران اوکراین در سال ۲۰۱۴ (الحاق کریمه و ایجاد بحران در مناطق شرقی اوکراین) را می‌توان به عنوان شواهدی بر این مدعا قلمداد نمود. با وجود تلاش‌های باکو برای استفاده از اهرم مراودات اقتصادی، این کشور نتوانست ایالات متحده را به‌طور جدی وارد روند حل‌وفصل مسالمت‌آمیز مناقشه قره‌باغ کند.<sup>61</sup> و در عمل تأثیر آمریکا بر این مناقشه، در خارج از گروه مینسک، چندان قابل توجه نیست.

به‌رغم فقدان جذابیت اقتصادی ارمنستان برای آمریکا، واشنگتن و ایروان بر پایه تأثیر دیاسپورای ارمنی روابط به نسبت گرم‌تری - در مقایسه با آذربایجان - با یکدیگر دارند. آمریکا علی‌رغم حمایت مالی و حقوقی از ارامنه، به‌ویژه از زمان روی کار آمدن دولت کلینتون (۱۹۹۳)، بسیار تلاش نمود خود را از این بحران دور نگه دارد و تصویر یک قدرت بی‌طرف در این مناقشه را به نمایش بگذارد. در حقیقت، آمریکا ترجیح می‌دهد به صورت غیرمستقیم بر مناقشه ناگورنو قره‌باغ تأثیر بگذارد.<sup>62</sup>

59 Svante Cornell, "Turkey&the Conflict in Nagorno Karabakh: A Delicate Balance", *Middle Eastern Studies*, 34(1), January 1998, Frank Cass, London 1998, s. 51-95.

60 Cornell, a.g.m., s.93.

61 Seyyed Ali Mortazavian-Mohammad Reza Maleki, "International Crises: The Transition or Transition", *Central Asia and Caucasus Studies*, 15, 1996, s. 5-18.

62 Bahram Amirahamidian, "Karabakh: From the Distant Past to the Present", *Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies*, 2(4), 1994, s. 133.

### ۴-۴- اقدامات و نقش فرانسه در روند تحولات مناقشه ناگورنو قره‌باغ

رویکرد فرانسه نسبت به قفقاز از منظر سیاسی و اقتصادی با دیگر قدرت‌های غربی مؤثر در قفقاز یکسان نیست. به همین رو، فرانسه علاقه‌مند است نقشی مستقل ایفا نماید. فرانسه و ارمنستان از روابط خوب و گسترده‌ای برخوردار هستند به نحوی که این سطح از روابط موجب سردی تعاملات باکو و پاریس شده است. نفوذ آشکار لابی ارمنی و حضور سیاستمداران حامی ارمنه در پارلمان و دولت فرانسه باعث تحکیم این رابطه شده است. از سوئی دیگر، شرکت‌های فرانسوی در چند کنسرسیوم نفتی آذربایجان حضور دارند و موضوع ذخایر نفت و گاز در منطقه خزر و انتقال آن به اروپا برای سیاست‌های آتی دولت فرانسه بسیار مهم می‌باشد. به همین رو، فرانسه علاقه‌مند است تا در تحولات مهم منطقه حضوری فعال داشته باشد.

فرانسه با عضویت در هیئت رئیسه گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا علاقه خود را برای نفوذ بیشتر در منطقه آشکار ساخت و یکی از اعضای فعال و کلیدی گروه مینسک محسوب می‌شود. میانجیگری فرانسه، توسط ژاک شیراک،<sup>63</sup> رئیس‌جمهور وقت فرانسه، در پاریس به اوج خود رسید.<sup>64</sup> اما به مرور، بی‌حاصلی تلاش‌های پاریس به دلیل میل به سمت ارمنه آشکار شد.

### ۴-۵- میانجی‌گری کنفرانس همکاری و امنیت اروپا: گروه مینسک

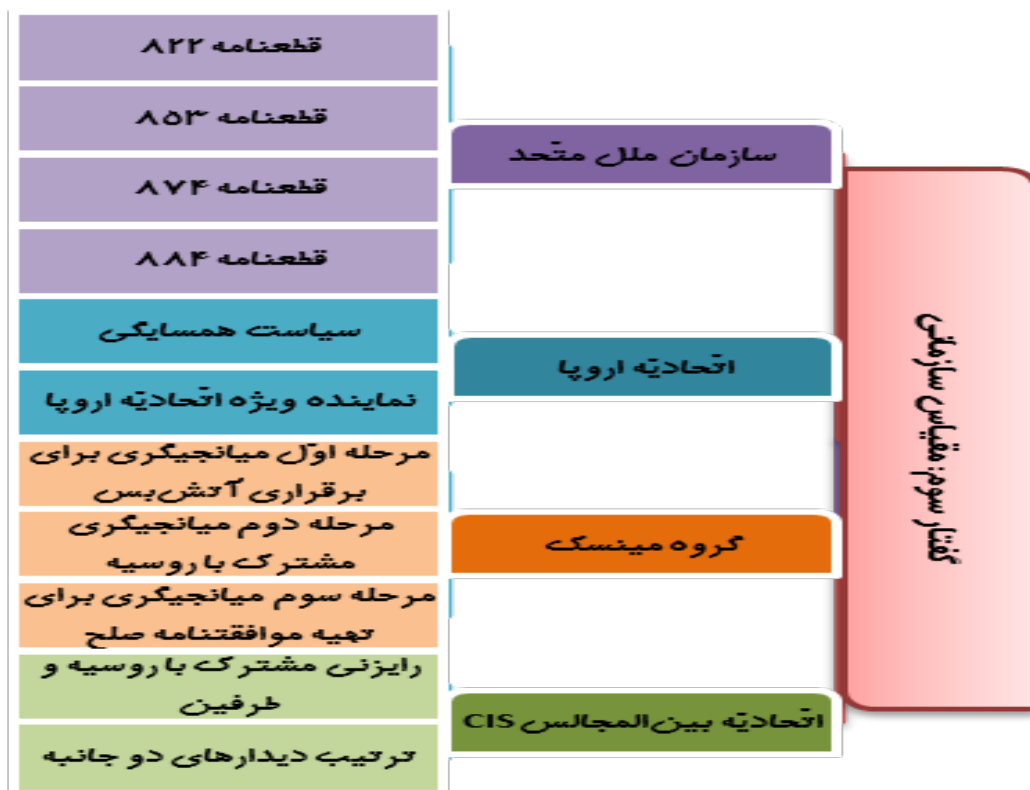
آذربایجان و ارمنستان در اجلاس دوم شورای امنیت و همکاری اروپا (۱۹۹۲)<sup>65</sup>، به عضویت این شورا پذیرفته شدند. در این اجلاس قرار شد هیئتی برای بررسی وضعیت درگیری‌های قره‌باغ و امکان آتش‌بس و استقرار گروه‌های ناظر، به منطقه اعزام شوند. متأسفانه، میانجیگری این گروه از زمان تأسیس (۱۹۹۲) تا به امروز، برآیندی متفاوت از عملکرد روسیه، فرانسه و ایالات‌متحده (رؤسای مشترک گروه) نداشته و تا زمان بروز جنگ ۴۴ روزه، هیچ توفیقی در حل‌وفصل مسالمت‌آمیز این مناقشه نداشته است.

63 Jacques René Chirac (1932-2019)

64 Mahmoud Vaezi, "Geopolitics of the Crisis in Central Asia and the Caucasus (Foundations and Actors)", *Office of Political and International Studies*, 2008, s. 266.

65 CSCE

نمودار (۵): مواضع طرفین درگیر در مناقشه ناگورنو قره‌باغ



## ۵ نقش ژئوپولیتیک در ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

پس از بررسی اجمالی ابعاد حقوقی و سیاسی این مناقشه، نوبت به بررسی نقش ژئوپولیتیک در روند تحولات این مناقشه و ابعاد آن می‌رسد. به لحاظ حقوقی، ناگورنو قره‌باغ به‌عنوان بخشی از قلمروی سرزمینی آذربایجان شناخته می‌شود و هیچ کشوری - حتی ارمنستان و نزدیک‌ترین متحدینش - در هیچ برهه‌ای جمهوری خودخوانده قره‌باغ (آرتساخ) را به رسمیت نشناخت و ارمنستان نیز نتوانست به‌طور رسمی و حقوقی اقدام به انضمام آن به قلمروی سرزمین خود کند. مع‌الوصف بازیگران سیاسی دخیل در این مناقشه با حمایت مالی، تسلیحاتی و سیاسی در عمل برخلاف موازین حقوقی زمینه تداوم اشغال قره‌باغ را فراهم آورده بودند.

به این ترتیب، روشن می‌شود که بین ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ انطباق وجود ندارد. مناقشه ناگورنو قره‌باغ در دو بعد حقوقی و سیاسی دو روند کاملاً متفاوت پیموده است. این مناقشه در بعد حقوقی پیرو مفاد قوانین حقوق بین‌الملل عمومی و بشردوستانه و رویه حقوقی حاکم بر مناقشات داخلی و بین‌المللی، مناقشه‌ای تحمیلی می‌باشد که در آن ارمنستان با نقض حاکمیت و تمامیت ارضی آذربایجان، به اراضی این کشور تجاوز کرده و ضمن تعرض به سرزمین و جان اتباع آذربایجانی، مرتکب جرائم بین‌المللی نیز

## تحلیل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره‌باغ

شده است که شناخته‌شده‌ترین جرائم بین‌المللی ارامنه در این مناقشه مورد خوجالی می‌باشد. از سوئی دیگر، در بعد سیاسی این مناقشه می‌توان شاهد مباحث خنثی یا جانبدارانه از ارامنه بود. سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای دخیل در این مناقشه همواره یا از مواضع ارامنه به طور صریح حمایت کرده‌اند و یا با سکوت و بی‌عملی، جانب طرف ارمنی را گرفته‌اند.

با نگاهی بر ابعاد حقوقی و سیاسی این بحران به راحتی می‌توان از روند و رویه کاملاً متضاد این دو بعد از بحران پی برد. به عبارتی دیگر با تحلیل بعد حقوقی این بحران، می‌توان گفت این مناقشه یکی از تألم‌بارترین صحنه‌های تاریخ بشری را رقم زده است و اعمال و جنایات رخ داده در ناگورنو قره‌باغ در تضاد کامل و آشکار با اصول، رویه و قوانین حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و توابع این دو می‌باشد. اما با تحلیل بعد سیاسی این مناقشه می‌توان دریافت به دلیل الزامات ژئوپلیتیکی در این بحران قدرت‌های دخیل در روند این بحران و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ذی‌صلاح، عملاً یا سکوت کرده‌اند و حتی در مواقعی که ارامنه موقعیت برتر خود را از دست داده‌اند، علنی و ضمنی از مواضع طرف ارمنی حمایت کرده‌اند (مورد درگیری‌های سال ۲۰۱۶ و ۲۰۲۰). واقعیت این است که قفقاز جنوبی در حوزه خارج نزدیک قرار داشته و به عنوان منطقه نفوذ روسیه شناخته می‌شود و با توجه به اینکه از زمان حضور ارتش تزاری در قفقاز، ارامنه همواره همراه و پیرو مسکو بوده‌اند، روسیه در طول تاریخ، حس پیوستگی و علقه زیادی با ارمنستان داشته است.

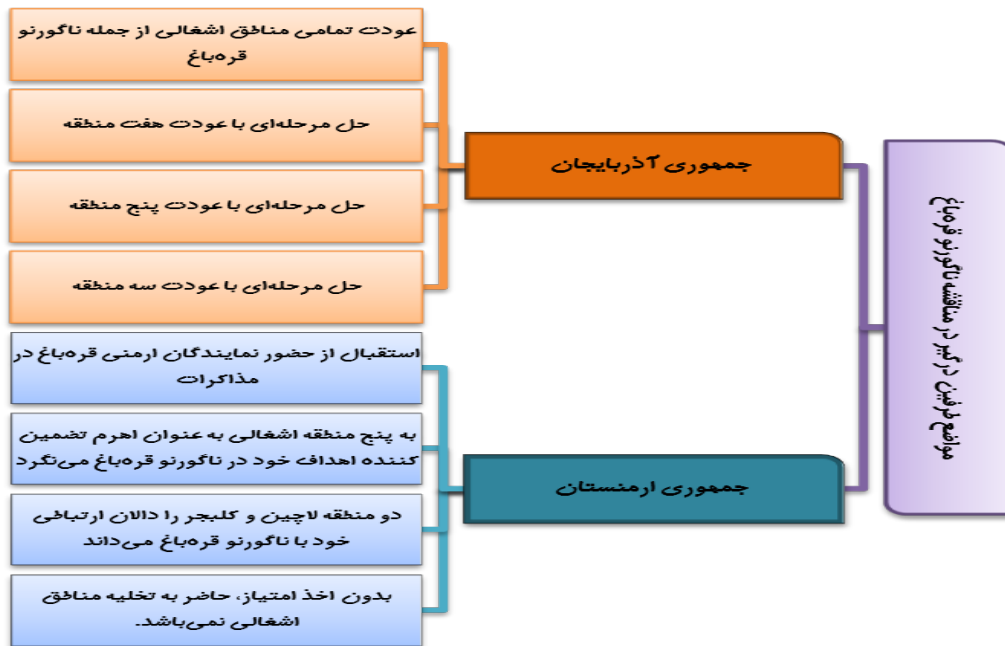
### ۶ - تحولات جدید ناشی از آتش‌بس ۹۱ آبان ۹۹۳۱

بر اساس توافق حاصله بین مقامات آذربایجان و ارمنستان، اراضی آزادشده توسط آذربایجان در اختیار این کشور خواهد ماند و دیگر بخش‌های اشغالی طبق برنامه زمانبندی توسط ارامنه تخلیه خواهد شد. مع‌هذا ارامنه حق زندگی در بخش مرکزی قره‌باغ کوهستانی (به استثنای شوشا) تحت حاکمیت آذربایجان و بدون اعطای وضعیت خودمختاری خواهند داشت. نیروهای حافظ صلح روسی به مدت پنج سال در خطوط آتش‌بس حضور خواهند داشت و مسئولیت کنترل دالان ارتباط بین خان‌کندی و ارمنستان (از طریق مسیر جدیدی بین خان‌کندی و لاجین بدون عبور از شوشا) و نیز دالانی در زنگه‌زور برای ارتباط نخجوان با قلمروی اصلی آذربایجان با نیروهای روسی خواهد بود. از سوئی دیگر، روسیه بار دیگر با برقراری آتش‌بس، توانست سربازهای خود را در قالب نیروهای حافظ صلح در منطقه مستقر کند.

ساده‌اندیشانه است اگر در تلاش برای ترسیم دورنمای آینده این مناقشه و منطقه قفقاز جنوبی، از نقش ژئوپولیتیک غافل شویم. اگر از زمان فروپاشی شوروی تا سال ۲۰۲۰، این منطقه به طور سنتی، تنها حوزه نفوذ روسیه در چارچوب مفهوم خارج نزدیک قلمداد می‌شد، ترکیه و متحد جدیدش (پاکستان) تحت تأثیر تحولات جهانی و سرایت رقابت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و شمال آفریقا (بازیگری، رقابت و تعامل روسیه و ترکیه در سوریه، لیبی و تحولات ناشی از ژئواکونومی انرژی)، خواهان ایفای نقشی مهم‌تر در این منطقه

خواهند بود. با توجه به اتصال زمینی ترکیه به برونگان نخجوان، ایجاد کریدور زنگه‌زور می‌تواند روابط باکو - آنکارا را متحول سازد و اینگونه توان بازیگری ترکیه در آسیای مرکزی را نیز متحول سازد. از سوئی دیگر با اصرار چین به عبور جاده ابریشم جدید از مناطق آسیای مرکزی و قفقاز به مرور چین نیز ناگزیر به ورود به منطقه و سهم‌خواهی از روسیه خواهد بود. این امر در کنار ژئواکونومی حاصل از خطوط انتقالی انرژی از قفقاز جنوبی به سمت غرب، روند معادلات قدرت در این منطقه کوچک را بیش از پیش پیچیده خواهد کرد. پیدا است اروپایی که در عرصه بازیگری در خاورمیانه دچار خلأ قدرت چنین منفعل، ناتوان و ناآماده ظاهر شد، در منطقه‌ای کوچک و پراضطکاک چون قفقاز جنوبی دچار بی‌عملی خواهد شد. خاصه آنکه منافع اروپا در خاورمیانه و شمال آفریقا به هیچ‌وجه با قفقاز جنوبی قابل قیاس نیست. تلاش‌های فرانسه برای تأثیرگذاری بر تصمیمات کرملین و عدم حضور مستقیم در مناقشه را می‌توان شاهدی بر این مدعا پنداشت.

نمودار (۶): مواضع طرفین درگیر در مناقشه ناگورنو قره‌باغ



ترسیم: سید محمد عیسی‌نژاد

## جمع‌بندی

مناقشه ناگورنو قره‌باغ به عنوان میراث سلطه روسیه تزاری و اعقابش بر قفقاز همچنان ادامه خواهد داشت. این بحران به دلیل الزامات ژئوپولیتیکی در محاق وانهاد شده است. این مناقشه را از جهات گوناگون می‌توان قابل قیاس با مسئله فلسطین در خاورمیانه دانست.



## تحليل ژئوپلیتیکی ابعاد حقوقی و سیاسی مناقشه ناگورنو قره باغ

با تحولات رخ داده در طول جنگ ۴۴ روزه و توافقات حاصل از آن، موازنه قوا بین دو طرف درگیر برهم خورده است و علی‌رغم نقش برتر و غیرقابل انکار روسیه، ترکیه توانست نقش خود را در این منطقه پرتنش پررنگ کند. ایالات متحده درگیر انتخابات ریاست جمهوری و تنش حاصل از آن، تنها به حمایت کلامی از ارامنه بسنده کرد و فرانسه، به‌رغم نارضایتی از روند جنگ و معاهده‌ای که با محوریت تنها یکی از سه ضلع گروه مینسک به امضاء رسید، در پی تغییر مفاد آن است. به‌نظر می‌رسد در صورت روی کار آمدن دولتی روسگرا در ایروان روند مناقشه دچار پیچیدگی‌های بیشتری شود. همچنین برای اولین بار شاهد موجی از حمایت کشورهای اسلامی فرامنطقه‌ای با محوریت پاکستان از مواضع آذربایجان بودیم. در حوزه خارج نزدیک، اوکراین و گرجستان ضمن به رسمیت شناختن تمامیت ارضی آذربایجان بر تلاش برای حل و فصل مسالمت‌آمیز این بحران تأکید داشتند. ایران، ضمن تأکید بر حفظ تمامیت ارضی آذربایجان و لزوم عدم تغییر مرزهای بین‌المللی، بر لزوم حل مسالمت‌آمیز این مناقشه تأکید داشت و ضمن آمادگی برای برگزاری مذاکرات صلح، تلاشی عملی و دیپلماتیک را برای برقراری صلح آغاز نمود.

منابع و مأخذ

Admission of new Members to the League of Nations, Armenia. Assembly Document 209, Assembly 251.

AMIRAHAMDIAN, Bahram, "Karabakh: From the Distant Past to the Present", *Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies*, 1994, 7(4), s. 287 -310.

AMIRAHAMDIAN, Bahram, "Security Threats in the Caucasus", *Central Asian and Caucasus Studies*, 2(13), 1996, s. 189 - 198.

AMIRAHAMDIAN, Bahram, Complete Geography of the Caucasus, *Geographical Organization of the Ministry of Defense and Support of Iran*, Tehran 2002.

AMIRAHAMDIAN, Bahram, *Geography of Azerbaijan, Geographical Organization of the Ministry of Defense and Support of Iran*, Tehran 2003.

"Anonymous Azerbaijan: Seven Years of Conflict in Nagorno-Karabakh", *Human Rights Watch*, Helsinki 1994.

Anonymous, Documents of foreign policy of the USSR, volume IV, Gospolitizdat, Moscow 1960.

ATTAR, Alireza Sheikh, "The Roots of Political Behavior in Central Asia and the Caucasus", *Publishing Institute of the Ministry of Foreign Affairs of Iran*, Tehran 1992.

AYDIN, Mostafa, "The Internal Roots of Instability in Central Asia and the Caucasus", *Central Asia and Caucasus Studies*, 3(36), 2001, s. 159 - 172.

BAYAT, Kaveh, *The Nagorno-Karabakh Crisis*, Parvin, Tehran 1372.

BEHRAD, Abdol Ahad, *Karabakh in the Perspective of History*, Ark, Tabriz 1372.

BREZINSKI, Zibigniew, *World Order of the Future*, Dawn, New York 1994.

“Commentary on IV Geneva Convention”, *ICRC*, Geneva 1958.

“Commentary on the Additional Protocols of 1977”, *ICRC*, Geneva 1987.

CORNELL, Svante, “Turkey & the Conflict in Nagorno Karabakh: a Delicate Balance”, *Middle Eastern Studies*, 34(1), January 1998, 1998, s. 51-72.

FALLAH, Rahmatullah, “The Confrontation of the Cultural Pattern of Turkey and Iran in Central Asia and the Caucasus”, *Quarterly Journal of Strategic Studies of the Islamic World*, 34, 2007, s. 62 - 81.

GASSER, Hans Peter, “Internationalized Non-International Armed Conflicts: Case Studies of Afghanistan”, *Lebanon, American University Law Review*, 33, Washington D.C. 1983. ss. 145 - 157.

GASSER, H. P., *International Humanitarian Law: An Introduction*, Henry Dunant Institute, Geneva 1993.

GHORBAN, Narsi, “The Role of the Multinational Companies in the Development of Oil and Gas Resources in Central Asia and Caucasus”, *The Iranian Journal of International Relations*, 5(1), 1993, s. 19 - 32.

GOEBBELS, Paul, “Russia and its Neighbors”, trans. Qasem Maleki, *Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies*, 2(1), 1993, ss. 227 - 238.

HAFEZNIA, Mohammad Reza, *Research Methodology in Humanities (with Revisions and Additions)*, Samat, Tehran 2010.

HASHEMI, Gholamreza, *Security in the South Caucasus*, Office of Political and International Studies, Tehran 2005.

HENCKAERTS, J. M.-L. Doswald-Beck, *Customary International Humanitarian Law*, Volume I: Rules, Cambridge University Press, Cambridge 2005.

## ULUSLARARASI KRİZ VE SİYASET ARAŞTIRMALARI DERGİSİ

---

HERMANN, Charles, *International Crisis as Situational Variable*, The Free Press, New York 1969.

"ICRC Annual Report, Azerbaijan", ICRC, Geneva 2006.

ISANEDJAD S. Mohammad-Mohammad Yazdanpanah, "A Study of the Impact of Turkish Diplomacy in the Caucasus Region", *Quarterly Journal of the Caucasus Cultural Center*, 1(4), 2010, s. 1 - 15.

ISANEDJAD, S. Mohammad, "Geographical Recognition and Historical Analysis of Iran's Political Border with the Caucasus States", *Quarterly Journal of Caucasus Cultural Studies*, 4(2), 2010, s. 17 - 31.

ISANEDJAD, S. Mohammad, *A Study of the Role of the United Nations in the Process of the Nagorno-Karabakh Conflict Developments*, University of Tehran, (Unpublished Master Thesis), Tehran 2012.

JALALI, Mohammad Reza, "Caucasus, and Central Asia: The Entrance into the Scene and the Re-Composition of the Geostrategic Space", *Central Asia and the Caucasus Studies*, 2(6), 1994, s. 115 - 130.

LANDAU, Jacob M., *Pan-Turkism: From Irredentism to Cooperation*, trans. Hamid Ahmadi, Nashr-e Ney, Tehran 2003.

LUND, Michael, "The Conflict Prevention Capacities of the United States Government in the South Caucasus", *Fewer Eastwest Institute*, <http://www.fewer.org/research/> STUDUS, (Erişim Tarihi: 25.12.2020).

MALCOLM, Edvans, *Blackstone's International Law Documents*, Oxford University Press, Oxford 2003.

MALCOLM, Shaw N., "The Heritage of States: The Principle of Uti Possidetis Juris Today", *77th Vol. of The British Yearbook of International Law*, Clarendon Press, Oxford 1977.

MORTAZAVIAN, Seyyed Ali-Mohammad Reza Maleki, "International Crises:

The Transition or Transition”, *Central Asia and Caucasus Studies*, 15, 1996, s. 5-18.

OLIKER, Olga-Thomas Szayna, *Fault Lines of Conflict in Central Asia&the South Caucasus*, RAND Institute Press, NewYork 2003.

RAMEZANZADEH, Abdollah, *Iran’s Role as Mediator in the Nagorno-Karabakh Cisis, Comtested Borders in the Caucasus*, Bruno Coppetiers, ed., VUB Press, Brussels 1996.

SABANADZE, Natalie, “International Involvement in the South Caucasus”, *European Center for Minority*, No. 15, Feb. 2002. s. 3-37.

SAJJADPOUR, Seyed Mohammad Kazem, “Russia and the Caucasus: Economics and Security Considerations”, *Quarterly Journal of Central Asia and the Caucasus*, 8, 1994, s. 75-92.

Walademar A., Solf, “The Status of Combatants in Non-International Armed Conflicts under Domestic Law and Transnational Practice”, *American University Law Review*, 33, 1983, s. 53-71.

*Security Council Resolution 822 1993*, 37.

SHAHMARSİ, Parviz Zare, *Karabakh Nameh: From Ancient Times to the Contemporary Period*, Shirazeh, Tehran 2010.

SWIETOCHOWSKI T., *Russia and Azerbaijan: A Borderland in Transition*, Columbia University Press, New York 1995.

MUSAYEV, T., *Legal Aspects of Nagorno-Karabakh Conflict*, NFA Press, Baku 2007

VAEZI, Mahmoud, “Geopolitics of the Crisis in Central Asia and the Caucasus (Foundations and Actors)”, *Office of Political and International Studies*, 2008.

## ULUSLARARASI KRİZ VE SİYASET ARAŞTIRMALARI DERGİSİ

---

VAEZI, Mahmoud, "Mediation in Central Asia and the Caucasus: The Experience of the Islamic Republic of Iran", *Office of Political and International Studies*, 2009.

S. Mohammd ISANEDJAD  
Hazar LEYLANOĞLU

## STRUCTURED ABSTRACT

The roots of the Nagorno-Karabakh conflict in the post-Russian period in the Caucasus must be examined. During the Soviet era, Nagorno-Karabakh, although not suffer the fate of Zangezur, but, faced many changes in political demographic, and geographical zoning. And following the divisive and authoritarian policies of the Soviet Union, its mountainous part, known as Nagorno-Karabakh, and finally became an autonomous province. And from 1923, with the instigation and support of Moscow, the Armenians made the first claims to Nagorno-Karabakh; the allegations that led to this dispute.

Methodologically, this research is a type of applied theoretical researches. The required data were collected by the library method through sources and documents. And using the methods of logical analysis and deductive reasoning, new theoretical propositions are produced and presented. These propositions can be a new basis for subsequent empirical researches.

In 2020, after a long period of conflict and recession, with the developments that took place during the 44-day war and the resulting agreements, the balance of power between the two sides has changed. And despite Russia's undeniable role, Turkey has been able to play its role in this tense region. The United States, which was involved in the presidential election and the resulting tensions, relied only on verbal support for the Armenians, and France is seeking to change the terms of the agreement, despite dissatisfaction with the war process and a treaty signed on only one of the three sides of the Minsk Group. If we focus on the internal developments in Yerevan, it seems that if the pro-Russian government comes to power there, the conflict process will become more complicated. Also, for the first time, a wave of support for Pakistan-centered trans-regional Islamic countries from the Republic of Azerbaijan

was created. In the near abroad, while recognizing the territorial integrity of Azerbaijan, Ukraine and Georgia emphasized efforts to resolve the crisis peacefully. Iran, while emphasizing the preservation of the territorial integrity of Azerbaijan and its commitment to not changing the international borders, stressed the need for a peaceful solution to this conflict.

When we want to talk about the future of this conflict and the South Caucasus region, it is naive to ignore the geopolitics fundamental role. However, from the time of the collapse of the Soviet Union until 2020, the South Caucasus has traditionally been the only Russian influence sphere. But Turkey and its new ally (Pakistan) want to play a more important role in this region. These changes must be seen on a larger scale: global developments and the spread of regional rivalries from the Middle East and North Africa to Central Eurasia. The act, competition, and interaction of Russia and Turkey in Syria, Libya, and the developments resulting from energy geoeconomics are other pieces of the puzzle of the simultaneous presence of Moscow and Ankara in this conflict. Given Turkey's territorial integrity to Nakhchivan exclave, the creation of the Zangezur Corridor could transform Baku-Ankara relations; this seemingly small and conditional access could be a prelude to a major victory for Turkey in Central Asia. On the other hand, with China's insistence on crossing the New Silk Road through Central Asia and the Caucasus, China will eventually have to enter the region and seek a decent contribution from Russia. The Istanbul - Xi'an Cargo Train seems to be the beginning of these developments and the joint efforts of Beijing and Ankara. This strategic initiative could be more challenging for NATO allies, especially the Biden-era United States, than the crisis of the S-400 Triumf missile system. These issues, along with the geoeconomics of energy transmission lines from the South Caucasus to Europe, will further complicate the process of power equations in this small region. It turns out that Europe, which has appeared so passive,



powerless, and unprepared in the field of acting in the Middle East - which is suffering from a power vacuum - will be ineffective in the small and frustrating region such as the South Caucasus. Especially since European interests in the Middle East and North Africa are in no way comparable to those in the South Caucasus. France's efforts to influence the Kremlin's decisions and its lack of direct involvement in the conflict can be seen as evidence of his claim.